

روش‌شناسی رویکرد امام علی علیه السلام در طرح گفتمان غدیر خم

سید علالدین شاهرخی*

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱۷

چکیده

واقعه غدیر خم مورد تایید کامل منابع شیعه و بسیاری از منابع اهل سنت است. پس از ماجرای سقیفه این امر الهی مورد چالش و بی‌توجهی واقع گردید. با توجه به حاکمیت فضای خفقان‌آمیز، از آن پس مسئولیت ابلاغ غدیر و نشر آگاهی در مورد جایگاه امامت بر دوش امام علی علیه السلام قرار گرفت. این مقاله درصدد است تا چگونگی پرداختن حضرت به موضوع غدیر و شیوه ورود ایشان به این موضوع و پرسش‌های پیرامونی آن پاسخ دهد. یافته‌های پژوهش بیانگر اهمیت غدیر از نظر امام علیه السلام است و اینکه آن حضرت آگاهی بخشی به اقشار مختلف را در خصوص این موضوع ضرورتی انکارناپذیر دانسته و برای اطمینان آنان از استدلال‌های مختلف استفاده نمود. طرح گفتمان اسلام در ماجرای غدیر توسط آن حضرت در اشکال گوناگون و بر پایه احقاق حق خود مطرح و پیگیری گردید. ثبات قدم در پیگیری این حق الهی به روش‌های گوناگون انجام پذیرفت. از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا خلافت امام با توجه به فضای بسته موجود بیشتر فعالیتشان در اندک فرصت‌های ممکن در شکل طرح موضوع غدیر و یادآوری آن به خلفا و برخی از خواص بود. پس از آن با آغاز خلافت چندساله ایشان و امکان دسترسی آزاد به اقشاری از جامعه، حضرت برای آگاهی نومسلمانان و نسل جدید و یادآوری به سابقان بارها غدیر را در محافل عمومی و با گواهی شاهدان در غدیر مطرح نمود.

واژگان کلیدی

تاریخ در نهج البلاغه، غدیر در نهج البلاغه، شبهه‌شناسی غدیر.



طرح مسئله

ایده و تفکر مشخص شدن جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خدای متعال و استمرار هدایت از طریق خاندان امامت و ولایت در سطح نخبگان و جامعه اسلامی از آغاز تاکنون از برداشت همسانی برخوردار نبوده است. طلوع اسلام در شبه جزیره عربستان به معنای وارد شدن بشر به مرحله جدید از حیاتش بود در نخستین گام افکار و مناسبات ناکارآمد حاکم بر این جامعه جاهلی مورد تردید و سپس تغییر قرار گرفت. طرح آموزه‌های الهی بر مبنای توحید مطابق تعالیم کتاب آسمانی قرآن و رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه و آله تاروپود جامعه جاهلی را مورد هدف قرار داد. قبیله به عنوان مهم‌ترین واحد سیاسی در جزیره العرب بود حاکمیت اشراف و رهبران قبیله‌ها بر همه مقدرات اعضای خود در کنار روحیه تعصب و حمیت قبیله‌ای در برابر پیشرفت دین اسلام به شدت مقاومت نمود.

با تصرف مکه توسط سپاهیان اسلام و به‌ویژه در دو سال پایانی زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله رؤسا و بزرگان قبیله‌ها یکی پس از دیگری اظهار اسلام نمودند. رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در سال یازدهم هجری در حالی رخ داد که بسیاری از نومسلمانان شبه جزیره عرب شناخت کافی از اسلام نداشتند و حتی آن حضرت را از نزدیک مشاهده نکرده بودند در چنین شرایطی دوران پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردمی که عموماً به شدت متأثر از فرهنگ جاهلیت بودند، آغاز گردید. عجیب آنکه در نخستین اقدام در حالی که هنوز جنازه ایشان دفن نشده بود عجلانه ابتدا انصار و سپس برخی از مهاجران برای تعیین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله آن هم براساس معیارهای جاهلی سابق (قوم‌گرایی) گرد آمدند.

تأثیر مذهب بر ساختار اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه به نوع مناسبات این دو با یکدیگر بستگی دارد، رابطه بین مذهب و جامعه را نمی‌توان با یک رابطه عمومی و قطعی همچون وحدت و ادغام (Integration) و یا تنش (Tension) توضیح داد بلکه نوع ارتباط آن دو از طریق مطالعات تجربی آشکار می‌شود. واقعیت آن است که هر چند مردم شبه جزیره عرب توانستند در برخی باورها از جمله رهاکردن بت‌ها و پرستش خدای متعال که ریشه در درون همه انسان‌ها دارد، توفیق حاصل نمایند اما تا قرن‌ها بعد هنوز جنبه‌های بسیاری از عادت‌ها و آداب و رسوم که ریشه در فرهنگ جاهلی داشت را حفظ نمودند. بارزترین مورد آن استمرار حمیت و تعصب قومی جاهلی بود که در روند تحولات جهان اسلام بیشترین اثر را نهاد.



مهم‌ترین آسیب تداوم فرهنگ جاهلی، بی‌توجهی به تعالیم قرآن و دستورهای مکرر پیامبر (ص) در مورد لزوم جانشینی امام علی (ع) بود. وجود اسناد و شواهد مختلف و غیرقابل‌انکار به‌ویژه واقعه غدیر خم با پشتیبانی اقلیتی از صحابه پیامبر (ص) همراه گردید که آنان نیز با خشونت سرکوب شدند. به جز دوران کوتاه مدت خلافت امیرمؤمنان علی (ع) در دوران سه خلیفه پیش از ایشان این روند استمرار یافت. با شهادت آن حضرت و دستیابی خاندان بنی‌امیه به خلافت بیشترین جنایت‌ها نسبت به طرفداران گفت‌وگو غدیر خم و پیروان اهل بیت (ع) اعمال گردید و پس از بنی‌امیه خلفای عباسی نیز همین رویکرد را ادامه دادند. در چنین شرایط دشواری که هرگونه گفت‌وگو یا جانبداری از موضوع غدیر و امامت در فضای اختناق پس از رحلت پیامبر (ص) سرکوب می‌شد، این مسئولیت خطیر بر عهده امام علی (ع) قرار گرفت.

مسئله این پژوهش موضوعی است که در طول چهارده قرن گذشته به‌ویژه اخیراً در قالب طرح این شبهه مطرح است که امام علی (ع) هیچ‌گاه به ماجرای غدیر به‌عنوان حق جانشینی خود ورود نداشته‌اند. حال سوال این است که آیا آن حضرت به غدیر به‌عنوان حق الهی خود تصریح نموده است؟ و در صورت مثبت بودن جواب، ایشان چگونه و با چه روش‌هایی برای آگاهی‌بخشی و هدایت جامعه براساس گفت‌وگو غدیر اقدام نمود و محور رویکرد وی در انتشار اندیشه غدیر چه بود؟

اهداف پژوهش حاضر با توجه به الگو بودن رفتار و گفتار امامان معصوم (ع) برای شیعیان علاوه بر آگاهی یافتن به جنبه‌هایی از حقایق غدیر خم شناخت روش‌شناسی رفتار امام علی (ع) در طرح و اثبات این حقیقت تاریخی اسلام در شرایط دشوار پس از رحلت پیامبر (ص) تا پایان دوران خلافت خودشان است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت غدیر خم اقبال قابل‌توجهی از جانب نویسندگان به این موضوع شده است و از زوایای مختلف آن را مورد بررسی قرار داده‌اند، با این حال بیشتر توجه این پژوهش‌ها به اصل واقعه غدیر، سندیت آن و جایگاهش در میان شیعه و اهل سنت است. از جمله: محمدباقر انصاری (۱۳۸۵) که ضمن پردازش ماجرای غدیر به مدارک و منابع آن نیز پرداخته است. محمدرضا انصاری (۱۳۸۳) واقعه غدیر را به‌صورت پرسش و پاسخ بررسی نموده است. اصغر صادقی (۱۳۸۱) به سندیت



خطبه غدیر در منابع شیعه و اهل سنت تمرکز کرده است. محمدرضا حکیمی (۱۳۸۲) در مورد آثار اعتقادی و اجتماعی غدیر در طول تاریخ گزارشی تحلیلی ارائه داده است.

به علت تمرکز پژوهشگران بر ابعاد تاریخی و سندیت غدیر خم و پاسخ‌گویی به برخی تردیدها در اصل یا محتوای آن متاسفانه کمتر به نگاه امام به آن توجه شده است یا بدون تامل از آن عبور کرده‌اند که این پژوهش تلاش دارد این ضعف را برطرف نماید. غدیر خم موضوعی محدود در مکان یا زمانی خاص یا داستانی تاریخی نبود، بلکه سرنوشت بشریت و تاریخ جهان اسلام و بیانگر استمرار هدایت الهی از طریق خاندان عصمت و طهارت بود. بنابراین تردیدی وجود ندارد که تلاش امام علی علیه السلام در انتشار آگاهی عمومی نسبت به غدیر به منظور حفظ اسلام از خطر تحریف و وارونه شدن توسط افرادی قدرت‌پرست و سطحی بین در لباس اسلام برای عصر خود و همچنین آینده بود.

شاخصه بارز سرزمین عربستان جاهلیت بوده است. سخن در مورد این واژه بسیار است خلاصه اینکه مقصود از جاهلیت (فقط) نادانی نیست. (خرمشاهی، ۱۳۶۶: ۲۸۴) بلکه ابعاد دیگری نیاز دارد در قرآن کریم در مجموع ۲۴ بار واژه جهل و مشتقات آن به کار رفته است که هر کدام مصادیق خاص خود را دارد. به نظر نویسنده کتاب «المفردات»، کاربرد جهل در قرآن در سه معنا است: ۱. نادانی، ۲. اعتقاد، به چیزی برخلاف واقع و حق ۳. انجام عملی برخلاف آنچه حق است. (راغب اصفهانی، بی تا: ۱۰)

جنبه‌هایی از اوضاع جاهلیت عرب در آیاتی از سوره انعام تبیین شده است. در این آیات ضمن برشمردن اهداف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به تشریح وضعیت جامعه نیز پرداخته شده است و به مواردی که میان آنان رواج داشته و خدا از انجام این موارد نهی نموده است اشاره کرده و چنین می‌فرماید:

ببایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم، اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندانتان را از (ترس) فقر نکشید. ما شما و آنها را روزی می‌دهیم و نزدیک کارهای زشت نروید چه آشکار باشد چه پنهان و انسانی را که خداوند محترم شمرده به قتل نرسایند، مگر به حق این چیزی است که خدا شما را آن سفارش کرده شاید درک کنید و به مال یتیم جز به بهترین صورت نزدیک نشوید تا به حد رشد خود برسد و حق پیمان‌ه و وزن را به عدالت ادا کنید. هیچ کس را جز به مقدار توانایش



تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخنی می‌گویید عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خدا شما را به آن سفارش می‌کند تا متذکر شوید. (انعام / ۱۵۴ - ۱۵۲)

بسیاری از این ویژگی‌ها پس از پیامبر صلی الله علیه و آله در شبه جزیره عربستان و حتی در سایر سرزمین‌ها باز هم استمرار یافت و این‌ها در کنار یکدیگر موانع جدی در مقابل این دستور الهی ایجاد نمود.

غدير خم واقعيته در غبار قدرت يا جهالت

بسیاری از دانشمندان اهل سنت همان‌گونه که دلایل متعدد برجانشینی و یا فضائل امام علی علیه السلام را نقل کرده‌اند به ماجرای غدير خم نیز پرداخته‌اند. آنها در ضمن نقل غدير تأکید بر این کلام پیامبر صلی الله علیه و آله نیز کرده‌اند که خطاب به همگان فرمود:

هر کس که من سرور او هستم علی نیز مولای او است خدایا دوست او را دوست بدار و دشمنی کن با هر که با او دشمنی کند. (ابن عبدربه، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۸؛ حسکانی نیشابوری، بی تا: ۱ / ۱۵۷؛ بلاذری، ۱۴۲۴: ۲ / ۸۵۸؛ سیوطی، بی تا: ۱۳۲)

البته نقل غدير خم محدود به عالمان فوق الذکر اهل سنت نیست، بلکه با وجود جو عمومی حاکم بر دستگاه خلافت عليه امام علی علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام به خصوص در قرون نخستین هجری علاوه بر همه عالمان شیعی بسیاری از دانشمندان سنی مذهب نیز به نقل ماجرای غدير پرداخته‌اند که به اختصار مواردی از آن را نقل می‌شود: ۱. دانشمند معروف محمد بن جریر طبری (۳۱۰ م.) حدیث غدير را از ۷۵ نفر صحابی نقل و خود به صحت و تواتر آن اعتراف نمود (ذهبی، ۱۴۰۷: ۲۳۸؛ حموی، ۱۴۰۸: ۱۸ / ۸۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۷: ۵۲ / ۱۹۸؛ ابن حجر عسقلانی ۱۴۰۶: ۵ / ۱۰۰) نگارش کتاب - ابن حجر - چنان خشم حنبلی‌های بغداد را برانگیخت که او را به رفض و تشیع و حتی الحاد متهم کردند. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۳ / ۲۱۷؛ مسکویه، ۱۳۷۷: ۵ / ۱۴۲)

۲. بنابر اظهار نظر گنجی شافعی، ابوالحسن دارقطنی از علمای برجسته اهل سنت طرق حدیث غدير را در یک رساله مستقل جمع‌آوری کرده است. (گنجی شافعی، ۱۴۰۴: ۶۰)

۳. ابن کثیر دمشقی (۷۷۴ ق) حافظ و مورخ مشهور، ضمن بیان حوادث سال و دهم هجرت و نیز برشمردن فضایل علی علیه السلام در ضمن حوادث سال چهلیم هجرت برخی از طرق حدیث غدير را نقل کرده است. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۲: ۵ / ۱۸۹ - ۱۸۳)



آنچه از مدارک و منابع اهل سنت در خصوص غدیرخم نقل گردید، تنها بخشی از ۳۶۰ نفر عالمان آنها است که دانشمند معاصر علامه امینی گردآوری نموده و همگی را با ذکر ماخذ در کتابش ذکر کرده است. (امینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۵۱ - ۱۴) درحالی که بخشی از مسائل اعتقادی، فقهی یا غیره با وجود روایات محدودی که گاه نیز قابل اعتماد نیستند، پذیرفته شده و حتی نسبت به آن موارد اطمینان می‌شود، چرا در طول تاریخ برای بسیاری از مسلمانان غباری بر گرد غدیرخم کشیده شد که تایید صدها صحابی، تابعین، محققان و دانشمندان اهل سنت نیز نتوانست آن را برطرف نماید؟ چنانچه این موضوع از ابتدای شکل‌گیری آن مورد بررسی قرار گیرد دو گروه عمده مشاهده خواهد شد، اکثریت یا همان عامه مردم که پیرو بزرگان و شیوخ قبایل خود بودند. این گروه نه تنها در مورد موضوع غدیر بلکه در سایر ابعاد زندگی خود بیشتر تابع تقلید بودند تا تحقیق و آگاهی. آیات متعددی در قرآن کریم برای رفع این مشکل بزرگ نازل گردید، از جمله فرمود: هیچ چیز به اندازه بی‌خردی و تقلید کور نکوهیده و مذموم نیست (بقره / ۱۷) همچنین خدای متعال بارها افراد را به تعقل دعوت می‌کند. (بقره / ۷۳، ۲۱۹، ۲۴۲ و ۲۶۶)

بخش دیگر موضوع به بزرگان، شیوخ قوم و به عبارتی سقیفه‌آفرینان و در نسل‌های بعد به صاحبان قدرتی مربوط می‌شد که بیشترین منفعت از این واقعه نصیبشان شده بود. در مورد این دسته، انگیزه‌ها بیشتر مربوط به قدرت‌طلبی، منافع گروهی و دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام بود، البته باید نوع رویکرد امام علی علیه‌السلام در مورد هر گروه به صورت مجزا مطالعه و بررسی گردد تا بتوان آگاهی بیشتری در مورد روش‌های ایشان به دست آورد.

شواهدی از دشمنی با امام علی علیه‌السلام

آنچه در قالب جریانی خشن و متعصب علیه اهل بیت علیهم‌السلام از همان قرن نخست هجری در خلافت اسلامی نمایان گشت، ریشه‌هایش به سال‌های نخستین ظهور اسلام در عصر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برمی‌گشت. آن حضرت با شناخت دقیق خود از این موضوع و به منظور هدایت مردم عصر خود و آیندگان ده‌ها بار در حضور مهاجران و انصار به بیان فضیلت‌ها و جایگاه بی‌بدیل امام علی علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام پرداخت. این روایت‌ها نیز همچون غدیرخم با وجود تمام کینه‌توزی‌ها از جانب خلفا و نیروهای وابسته‌شان به صورت گسترده‌ای در منابع مختلف انعکاس یافته‌اند که در این بخش فقط به چند مورد اشاره‌ای مختصر می‌شود:



الف) مثل اهل بیت من در میان امتم همانند کشتی نوح است هر که به آن درآید نجات یابد و هر کس از آن کشتی دوری کند غرق گردد. (سیوطی، بی تا: ۵۷۳؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۱۲)

ب) همانا من در میان شما دو چیز گران بها را باقی می‌گذارم که یکی از آن دو بزرگ‌تر است کتاب خدا و عترتم (ابن حنبل، بی تا: ۵ / ۱۸۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۶: ۲ / ۱۹۴)

ج) من و علی و حسن و حسین و نه فرزند حسین تطهیر گردیده و به دور از هر گونه خطا هستیم. (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶: ۳ / ۵۰۴)

د) همانا علی برادر، وصی و خلیفه من در میان شما است سخنان او را بشنوید و از او اطاعت کنید. (طبری، ۱۴۰۹: ۲ / ۶۳) و بسیاری موارد دیگر.

آنچه در شأن نزول برخی آیات قرآن یا احادیث نبوی در مورد جایگاه امام علی و اهل بیت علیهم السلام بیان شده انجام تکلیف الهی بوده است اما منافقان و تعدادی از مسلمانان گاه به رهنمودها و تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله بی‌اعتنایی می‌کردند. جریان صلح حدیبیه شاهدهی گویا بر این مدعا است، البته منافقان فعالیت بیشتری داشتند، اقداماتی چون نقشه کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله، اظهار بی‌ادبی به ایشان، مسخره کردن مسلمانان و ... بخشی از فعالیت‌های آنان بود. (طبرسی، بی تا: ۱۰ / ۲۹۲ - ۲۹۵)

بیشتر مخالفان امام علی علیه السلام در هنگام حیات پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر سخنان ایشان در مورد جایگاه و فضایل امام موضع‌گیری نکردند اما برخی در همان زمان نیز اعتراض کردند، چنان‌که نقل شده است اعلان ولایت امام علی علیه السلام در روز غدیر به حارث نعمان مهری رسید، وی سوار بر مرکب شد و رسول خدا را در ابطح ملاقات کرد. پس از آن به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت تو ما را به توحید و نماز و روزه و حج دعوت کردی و ما پذیرفتیم، اکنون به ما می‌گویی: هر کس من مولای اویم پس علی مولای او است ... آیا این امر از خود تو است یا از ناحیه خدا؟ حضرت فرمود: از ناحیه خدا ... وی که خشمگین شده بود، گفت: خدایا اگر آنچه محمد صلی الله علیه و آله می‌گوید راست باشد، پس بر ما سنگی از آسمان فرود آر (حسکانی نیشابوری، بی تا: ۲ / ۳۸۱)

برخی دیگر از صحابه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله مخالفت خود را با امام علی علیه السلام آشکار نمودند. سقیفه بنی‌ساعده و نتیجه آن نخستین گام بود، گاهی در ضمن کلام خود نیز به کینه‌هایشان نسبت به امام اعتراف نمودند. ابو عبیده بن جراح از افراد تاثیرگذار در سقیفه هنگام اعتراض امام در جلسه‌ای با حضور بزرگان ضمن سخنانی طولانی که به سوابق آن حضرت اعتراف نمود



همچنین افزود که او فعلا جوان است و در آینده می‌تواند به خلافت برسد ولی سرانجام نیت دورنی خود را آشکار کرده و گفت: اکنون از سر دلسوزی و خیرخواهی به تو تذکر می‌دهم که سعی کن عامل برانگیخته شدن فتنه جدیدی نباشی که به صلاح تو نیست؛ زیرا که بهتر از دیگران می‌دانی که در دل‌های عرب و غیر عرب نسبت به تو چه می‌گذرد! (دینوری، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۹)

رویکرد آگاهی‌بخشی عمومی در مورد غدیرخم

امت و امام در کنار هم به یکدیگر پیوسته‌اند، لذا در کتاب آسمانی اسلام چنین آمده است که ولایت مائده‌ای است روحانی که اکمال دین و اتمام همه نعمت‌های مادی و معنوی بدان بستگی دارد. (مائده / ۳) ایده‌ها، افکار و مفاهیم مذهبی در پیوند با علاقه‌های اجتماعی به‌عنوان ارزش‌ها، انگیزه‌ها و اهداف مردم نمایان شده و گروه‌های اجتماعی در ضمن کنش‌های آنان به‌روز می‌یابند. در مورد غدیرخم چنین فرصتی حاصل نشد، حتی بیم آن می‌رفت که با توجه به اختناق و سرکوب این اندیشه و حامیانش به تدریج کاملا از اذهان رخت بریندد و نومسلمانان و نسل‌های بعد نسبت به آن ناآگاه بمانند. امام علی علیه السلام با وجود یاران کم و فضای آلوده برای نفوذ در اوضاع به‌وجود آمده که خلافت موجود را قانونی جلوه می‌داد به بیان حقایق مربوط به فضایل خود و به‌ویژه غدیر پرداخت. هدف اساسی این اقدام‌ها به‌منظور آگاهی‌بخشی اجتماعی و جلب همکاری نیروهای مستعد بود. مجموعه اقدام‌های امام در این راستا بیشتر در قالب موارد ذیل قرار می‌گیرد:

الف) درخواست گواهی از حاضران در غدیرخم

یکی از روش‌های اثرگذار امام علی علیه السلام برای گسترش شناخت عمومی در مورد غدیرخم استفاده از ابزار گواهی شاهدان غدیر در جلسات خصوصی و اجتماعات بود. در اقلیت قرار گرفتن اهل بیت علیهم السلام و رفتار خشن دستگاه خلافت با آنان موجب شده بود که تنها افراد اندکی از آنها حمایت نمایند و بیم آن می‌رفت که حتی دلایل و شواهد یقینی با تبلیغات و دروغ‌پردازی فراموش و یا تحریف شوند، از این‌رو حضرت در چندین نوبت در جلسات خواص یا در برابر گروه‌هایی از مردم از صحابه حاضر در غدیرخم درخواست تأیید جریان غدیر را نمود.

نخستین مرتبه تنها چند روز بعد از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد در زمانی که گروهی قصد داشتند به اجبار امام را وادار به بیعت نمایند. ایشان پس از ذکر دلیل‌های متعدد برحقانیت خود جماعت حاضر در مسجد را سوگند داد آنان که کلام پیامبر صلی الله علیه و آله را در مورد



وی در غدیر شنیده‌اند، بایستند و گواهی دهند با وجود جو سنگین و غیرعادی در مسجد ۱۲ نفر از کسانی که سابقه حضور در جنگ بدر را داشتند، برخاسته و گواهی دادند (طبرسی، بی‌تا: ۱ / ۱۸۴) پس از آن سروصدا مسجد را فراگرفت، سپس گروهی به ذکر عذر و بهانه و دگرگون جلوه‌دادن موضوع پرداختند.

نزدیک به دو دهه بعد در زمان خلیفه سوم جمع کثیری از مهاجر و انصار از اقدام‌های ظالمانه خلیفه به ستوه آمده و در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله گرد آمدند. امام پس از مشاهده اینکه هر گروه سوابق خود را بیان کرده و سهمش را از قدرت طلب می‌کند به‌ناچار به بیان جایگاه رکین خود و تصریح مکرر پیامبر صلی الله علیه و آله بر حق جانشینی‌اش به‌ویژه در جریان غدیر پرداخت. آن حضرت بار دیگر حاضران در غدیرخم را سوگند داد تا مشاهدات خود را بیان کنند، افرادی از جمله زید بن أرقم، براء بن عازب، ابوذر، مقداد و عمار نیز شرح ماجرا را بیان کردند. امام سپس سخنرانی مبسوطی در راستای تلازم عترت و قرآن بیان نمود (جوینی خراسانی، ۱۳۹۸: ۱ / ۳۱۲).

امام علی علیه السلام مجبور شد چندین بار حتی در دوران خلافتش از حاضران در غدیرخم درخواست بیان مشاهدات خود را نماید. تبلیغ گسترده جبهه متحد مخالفان امام چنان در جامعه اسلامی و حتی کوفه مرکز خلافت وی اثر کرده بود که به ایشان خبر دادند جمعی از مردم باور ندارند که رسول خدا او را بر دیگران مقدم داشته است و حتی با وقاحت او را متهم به دورغ‌گویی می‌کنند، از این‌رو در مسجد کوفه و در حالی که تعدادی زیادی از مردم حضور داشتند، امام حاضران را قسم داد در صورت حضور در غدیر واقعه را بیان کرده و گواهی دهند. در پی سوگند حضرت، شش تن از جانب راست و شش تن از جانب چپ او به پاخواستند که همگی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند ... (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۸۸)

آنچه امام علی علیه السلام در برابر دیدگان برخی از حاضران در غدیر انجام داد، استفاده از شیوه‌ای حسی و در عین حال استدلالی و عقلی بود تا از طریق این فرایند عینی و همچنین ذهنی ضمن دفع کردن هجمه‌های سنگین مخالفان اهل‌بیت علیهم السلام امکان یافتن حقیقت برای حاضران و نسل‌های بعد که از راه‌های گوناگون از این جلسه‌ها و محتوای آنها آگاهی می‌یافتند، فراهم گردد.

(ب) طلب عقوبت دنیوی برای کتمان‌کنندگان غدیرخم

برای امام تحقق دستورهای الهی در غدیر که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شد، انجام یک وظیفه بود از



این جهت فرمود:

... هدایت‌کننده هر قومی پس از پیامبر ﷺ و وظیفه دارد که امت او را آن گونه هدایت کند که او خواسته و به راهی برود که او گشوده است، پس به غیر از آن کس که شما را حق دعوت می‌کند و به دیار سعادت می‌رساند امید هدایت امت از که دارید؟ ... (سیدبن طاووس، بی تا: ۲۶۹ - ۲۳۵) امام با وجود تلاش گسترده برای برعهده گرفتن خلافت پس از ماجرای سقیفه حاضر نشد از هر راهی برای رسیدن به مقصود استفاده نماید، از این رو در پاسخ به پیشنهاد ابوسفیان برای پرکردن مدینه از پیاده و سواره فرمود: تو قصدی جز فتنه‌انگیزی نداری و پیوسته مایه شر و عصیانگری ضد اسلام بوده‌ای. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۸۹)

امام علی ﷺ بیشتر خطاب خود را متوجه توده‌ها و اصحاب نمود؛ زیرا از افراد قدرت‌طلب و فرصت‌طلب توقع چندانی نبود، بسیاری از مردم در مسائل مربوط به اسلام و وقایع عصر پیامبر ﷺ به صحابه مراجعه می‌کردند. البته سخن در مورد این افراد پس از رحلت پیامبر بسیار است، مختصر آنکه اگر به حداقل مسئولیت‌های خود عمل می‌کردند، جهان اسلام سرنوشت دیگری می‌یافت و پیام غدیر بی‌پاسخ نمی‌ماند. برخی از آنان حتی از گواهی آنچه در مکان غدیر رخ دیده بودند، سرباز زدند. امام در سخنرانی معروف خود در مسجد کوفه از شاهدان غدیر درخواست تأیید نمود که دوازده تن برخاستند اما سه تن از اصحاب به نام‌های انس بن مالک، براء بن عازب و جریر بن عبدالله حاضر به این اقدام نشدند.

امیرمومنان ﷺ بدون استفاده از تحمیل و اجبار به نفرین آنان اکتفا نمود، در نتیجه این خیانت، نفرین حضرت در حق آنان تحقق یافت براء بن عازب نابینا شد، انس بن مالک دچار مریضی برص گردید و جریر بن عبدالله به حالت اعراب جاهلیت در آمد و به همان منطقه قبل از هجرت خویش برگشت و در همان جا نیز از دنیا رفت (بلاذری، ۱۴۲۴: ۲ / ۱۵۶) این واقعه که در برخی منابع دیگر انعکاس یافته است گواه دیگری بر اهمیت غدیر خم است.

احتجاج در جلسات خصوصی با خلفا

برخی از اصحاب که در جریان سقیفه بنی‌ساعده و بی‌توجهی به غدیر خم نقش مهمی ایفا کرده و به ترتیب به خلافت رسیدند با مشاهده ناراحتی امام علی ﷺ از خود تلاش نمودند تا در فرصت



مناسب و جلسات خصوصی با ذکر عذر و بهانه‌هایی ایشان را راضی نمایند. البته امام به‌خوبی از مواضع این افراد و بی‌اثر بودن این گفتگوها بر آنان آگاه بود اما نیک می‌دانست انعکاس این مباحث هرچند برای نسل‌های بعد می‌تواند سندی گویا بر تزلزل فکری و تلاش بی‌ثمر آنها برای نجات از تنگنای خودساخته‌شان باشد. در روایتی طولانی که تنها بخشی از آن را نقل می‌کنیم امام صادق (ع) به نقل از امام سجاد (ع) گفتگوی میان خلیفه اول و امام علی (ع) را در جلسه‌ای خصوصی نقل می‌کند، سخن را خلیفه اول آغاز کرده و پس از اشاره به عدم تمایل به خلافت علت کم‌توجهی امام را به خودش جویا می‌شود. امام در پاسخ می‌فرماید:

اگر علاقه‌ای و رغبتی به خلافت نداشتی و برای به‌دست آوردن آن حریص نبودی، چرا زیر بار آن رفتی و این مسئولیت سنگین را پذیرفتی؟ ... خلیفه دلیل اقدام خود را کلام رسول خدا (ص) بیان کرد که فرموده بود: خدا امت مرا در مسیر گمراهی و ضلالت متحد نمی‌کند ... امام فرمود: آیا من از امت (پیامبر) نبودم؟ او گفت: بله، امام فرمود: آیا آن گروهی که با زمامداری تو مخالفت کردند مانند سلمان، عمار، ابوذر، مقداد، سعد بن عباد، و یاران او از جمعیت انصار از امت به‌شمار می‌آیند یا نه؟ خلیفه گفت: همه آنان از امت می‌باشند. امام ادامه داد پس چگونه به حدیث پیامبر (ص) استدلال می‌کنی در حالی که بزرگانی از اصحاب ایشان با تو مخالفت کردند ... در ادامه ضمن سؤال از صفات لازم برای زمامداری امت اسلامی به آیات و روایات مربوط به فضایل و جایگاه خود از جمله گفته پیامبر در غدیر خم اشاره نمود. خلیفه نیز ضمن تصدیق همه موارد منقلب شده و به گریه افتاد و از امام مهلت خواست تا درباره کلمات ایشان بیشتر فکر کند. (طبرسی، بی‌تا: ۱ / ۳۰۷)

فرصت دیگری که امام علی (ع) برای بیان جایگاه خود و به‌ویژه غدیر خم در سطح مدیریت کلان جامعه اسلامی به‌دست آورد در بین اعضای شورای شش نفره منصوب از طرف خلیفه دوم برای تعیین خلیفه پس از او بود. با اینکه ترکیب اعضای شورا به‌نفع امام نبود، عبدالرحمن بن عوف که از جانب خلیفه امتیاز ویژه‌ای در شورا داشت، ابتدا برای بیعت به نزد امام آمد ولی آگاهانه شرطی را ذکر کرد که می‌دانست امام نمی‌پذیرد مبنی بر اینکه امام متعهد شود که مطابق کتاب خدا، سیره رسول خدا (ص) و شیوه دو خلیفه پیشین عمل نماید. امام با صراحت تمام این پیشنهاد را رد کرد و خود را فقط ملتزم به عمل به کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) می‌دانست.



عبدالرحمن سه بار پیشنهاد خود را تکرار کرد و در هر سه بار همان جواب صریح را از امام شنید.
(یعقوبی، ۱۴۱۴: ۲ / ۱۶۲)

با اینکه امام علی علیه السلام باز هم از خلافت کنار گذاشته شد اما طی سخنان جامعی در برابر اعضای شورای شش نفره سوابق و فضایل خود را که البته از آنها نیز پنهان نبود، مجدداً ذکر کرد تا برگی دیگر از تاریخ اسلام بر مظلومیت او گشوده شود. برخی علمای اهل سنت این حدیث طولانی را کاملاً ذکر کرده‌اند، این حدیث به نام انشاد معروف است؛ زیرا امام هریک از فضائل خود را ذکر کرده و آنها را به خدا سوگند می‌داد در صورت صحت ادعا، آن را تأیید نمایند. غدیرخم نیز این بار در کلام ایشان مغفول نمانده و فرمود:

شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا در بین شما به جز من کسی را سراغ دارید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در پی اجرای دستور خدای متعال او را در روز غدیرخم برگزیده و فرموده باشد: هرکس را که من مولای او هستم علی مولای او است خدایا دوست بدار کسانی را که ولایت علی را پذیرفته باشند و دشمنی کن با کسانی که با او دشمنی نمایند؟ همگی گفتند: خیر، به جز تو کسی را سراغ نداریم. (خوارزمی، بی تا: ۲۲۲)

استناد به غدیر در برخی مقاطع حساس

با گذشت ایام و پس از سال‌ها ممکن بود برخی اصحاب ماجرای غدیرخم را فراموش نمایند یا اینکه چنان شیفته ثروت و قدرت گردند که نسبت به آن دچار غفلت شوند. امام علی علیه السلام در صورت مواجهه با این قبیل افراد بیش از هر موضوع دیگری آنها را به غدیر ارجاع می‌داد. یکی از مصادیق مشهور مدعای مذکور جریان جنگ جمل است. طلحه و زبیر رهبران گروه مخالف امام در این جنگ، پیمان شکنانی بودند که پیمان خود را با امام علی علیه السلام برای خون‌خواهی خونی که خود ریخته بودند (نهج البلاغه، ۶۶) شکستند. امیرمومنان علیه السلام طی نامه‌هایی جداگانه برای طلحه و زبیر و عایشه از آنان خواست دست از مخالفت بردارند. (ابن‌اعثم کوفی، بی تا: ۱ / ۴۶۸) امام حتی عمار بن یاسر را برای مذاکره نزد سران پیمان شکنان فرستاد که او را تیرباران کردند. (مسعودی، بی تا: ۲ / ۱۳۷۱)

در چنان شرایط حساسی که هزاران نفر مسلح در برابر یکدیگر بودند و سران پیمان شکنان از مواضع خود کوتاه نمی‌آمدند، امام با فرستادن نماینده‌ای جداگانه با زبیر و طلحه سخن گفتند. مهم‌ترین محور سخنان امام با طلحه یادآوری کلام پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر بود. علی علیه السلام از او سؤال کرد



تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا شنیدی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «هرکس را که من مولای او باشم پس علی نیز مولای او است. خداوندا دوست بدار کسانی را که ولایت علی را می‌پذیرند و دشمن بدار کسانی را که با علی دشمنی می‌کنند؟» طلحه جواب داد: «آری شنیده‌ام.» امیرمؤمنان فرمود: «پس با این حال چرا به جنگ من آمده‌ای؟» طلحه گفت: «فراموش کرده بودم.» (خوارزمی، بی‌تا: ۱۸۲) طلحه بازگشت و جنگ شروع شد ولی مروان بن حکم که - یکی از نیروهای خودش بود - او را با تیر کشت. (مسعودی، بی‌تا: ۲ / ۳۷۳)

در جریان جنگ صفین نیز امام با مشاهده برخی سستی‌ها در بین سپاهیان‌ش لازم دانست در موارد جایگاه و سوابقش به آنان توضیحاتی دهد. این سخنان در حالی بیان گردید که تعدادی از انصار و مهاجران حاضر در غدیر در میان سپاهیان امام بودند و این گفته‌ها را تایید نمودند. در سخنان امام مانند سایر موارد بخش مهمی به واقعه غدیر اختصاص یافت. از جمله فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم مرا به ولایت و زمامداری مردم منصوب کرد سلمان فارسی از جابر خواست و از رسول خدا پرسید یا رسول الله، ولایت علی چگونه ولایتی است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ولایت او همانند ولایت من است.» (نعمانی، ۱۴۱۸: ۶۹)

استدلال به غدیر خم در مواجهه با فرصت‌طلبان و گمراهان

فرایند جدا کردن امت از امامت و ولایت که با بی‌توجهی به پیام غدیر خم پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز گردید، سبب شد تا برخی از اشخاص و گروه‌هایی که سابقه‌ای در اسلام نداشتند و حتی گاه در فرآیند مبارزه با اسلام چهره‌ای شناخته شده بودند حال آنان نیز مقابل امام صف کشیده و خود را بر حق جلوه دهند. نمونه بارز این جریان معاویه است وی از زمان خلیفه دوم حاکم شام بود اما واقعیت آن است که با رسول الله صلی الله علیه و آله و خاندانش دشمنی داشت و در صد نابودی نام آن حضرت بود. (ابن بکار، بی‌تا: ۵۶۷) او با حيله و دروغ به شامی‌ها گفت: علی قصد ریختن خون شما و تصرف سرزمینتان را دارد تا شما را از آن بیرون کند. (منقری، ۱۴۱۰: ۳۲)

در مقابل، امام علی علیه السلام به بیان سوابق معاویه و گروهش در فرصت‌های گوناگون پرداخت، از جمله هنگامی که در جنگ صفین قرآن را بر سر نیزه کردند در مورد آنها فرمود: «اینان یاران دین و قرآن نیستند. اینان بدترین کودکان و بدترین مردان هستند. به درستی که قرآن‌ها را از



روی خدعه و نیرنگ به قصد خوار کردن آن برافراشته‌اند.» (دینوری، ۱۳۶۴: ۲۳۳) آنچه به‌ویژه می‌توانست در مورد معاویه و همدستان او تا حدودی اثرگذار باشد، بیان نقش معاویه به‌همراه پدرش ابوسفیان و مادرش هند و خاندان او در دشمنی با اسلام برای نومسلمانان و همچنین نسل جوان بود؛ موضوعی که امام آن را از نظر دور نداشت و در فرصت‌های مختلف بدان اقدام نمود. همچنین در کنار شناخت بیشتر این مدعیان رهبری جامعه اسلامی، لازم بود آنان با افراد صالح و شایسته آشنا شوند، لذا در این راستا امام حقانیت خود را با استناد به دلایل مختلف و غدیرخم برای این افراد و حتی خطاب به معاویه و نمایندگانش بیان نمود. ایشان در برابر نمایندگان معاویه، ابوالدرداء و ابوهریره در مسجد کوفه به بیان همین مطالب و ماجرای غدیر پرداخت. (نعمانی، ۱۴۱۸: ۶۸)

مراسم بزرگداشت غدیرخم و بیان فضائل آن

امام علی علیه السلام سال‌ها پیش توسط پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاع یافته بود که خلافت به‌دست خاندان اموی خواهد افتاد بالطبع در چنین شرایطی همه تلاش‌های آنان صرف مبارزه با عترت پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد شد. با وجود اکثریت مردم خاموش و تابع خلافت و بسیاری از صحابه و تابعین که دنیا را بر دین ترجیح داده و وامدار معاویه و سپس جانشینان او شدند، به‌زودی با این روند جز نشانی از اسلام واقعی نخواهد ماند.

از این رو به‌منظور جداسازی و تبیین اسلام محمدی صلی الله علیه و آله از اشرافیت‌های جاهلی در قالب اسلام برای نسل‌های آینده، امام علی علیه السلام سالگرد غدیرخم را در کوفه با مراسم خاصی برگزار نمود. بعدها سایر امامان معصوم علیهم السلام در شرایط سخت و دشوار عصر خود همین روش را ادامه دادند و به بیان فضایل منحصر به فرد آن پرداختند. ساده‌لوحانه است که تصور شود، در این مراسم محدود به جشن و یا برخی اقدامات نمادین اسلام بوده است بلکه هدف مراسم غدیر، بیداری امت اسلامی، رشد عقلانیت در حوزه‌های مختلف حیات فکری و اجتماعی و ارتباط با مرکز ثقل جهان اسلام بود.

سخنان امام علی علیه السلام در غدیرخم به نقل از امام رضا علیه السلام است، ایشان که همچون پدر و اجدادش در روز غدیر افراد بسیار مهمانش بودند و در عین حال هدایای فراوانی نیز از قبیل خوراکی، لباس، انگشتری، کفش و ... برای خانواده‌های آنها نیز فرستاده بود، پیوسته از فضیلت



روز غدیر سخن می‌گفت. آنگاه به نقل از پدر و اجدادش فرمود: در ایام حکومت امیرمومنان علیه السلام یک سالی، روز جمعه با عید غدیر هم‌زمان شد، امیرالمومنین علیه السلام با گذشت پنج ساعت از روز برای ایراد خطبه بر بالای منبر رفت و در آغاز سخنرانی خود چنان حمد و ثنایی برای خداوند گفت که تا آن روز کسی مانند آن را نشنیده بود و برای خدا حمدی گفت که جز او کسی آن مطالب بلند را درک نمی‌کرد. آنچه از کلمات امیرمومنان علیه السلام در یادها مانده چنین است: امروز (غدیر) روز با عظمت و مهمی است که در آن گشایش رخ داده و نردبان ترقی برافراشته شده و محبت‌ها آشکار گشته است. امروز، روز روشنایی و پرده‌برداری از خالص‌ترین مقامات است؛ روز کامل شدن دین، روز عهد و پیمان بسته‌شده، روز شاهد و مشهود، روز آشکار گشتن عقده‌های نفاق و کفر، روز بیان ایمان، روز طرد شدن شیطان، روز دلیل و برهان و امیرمومنان پیوسته می‌فرمود: امروز روز ... (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۵۲)

امیرمومنان علی علیه السلام بعد از این سخنان، خطبه جمعه را آغاز فرمود، نماز جمعه را اقامه کرد و بعد از نماز با فرزندان و شیعیان خود به منزل امام حسن علیه السلام رفتند و آنجا از همگی پذیرایی به‌عمل آمد.

نتیجه

بسیاری از تعالیم و اندیشه‌هایی که پیامبر اسلام در راستای انجام تکالیف الهی خود مطرح نمود در ابتدا با مخالفت‌های جدی اشراف و برخی گروه‌های اجتماعی مواجه گردید. با این وجود تلاش خستگی‌ناپذیر آن حضرت و حمایت مسلمانان برخی از این موارد به شیوه‌های مختلفی توسعه یافته و مورد پذیرش جامعه قرار گرفتند. گاه نیز در برابر برخی تعالیم اسلامی به‌ویژه آنچه در قالب عصیبت‌های قومی قرار داشت مقاومت بیشتری انجام می‌پذیرفت. اعلام جانشینی امام علی علیه السلام در فرصت‌های گوناگون و به‌ویژه غدیر خم از جانب خدای متعال و توسط پیامبر اعظم علیه السلام با نظام شیخ‌سالار شبه جزیره عربستان ناهمگون بود. مخالفت‌های برخی افراد بانفوذ و همچنین رقابت‌های قومی مزید بر علت شد که جهان اسلام از خلافت امام علی علیه السلام و سپس اهل‌بیت علیهم السلام محروم بماند.

امیرمومنان علی علیه السلام با توجه به شرایط عصر خود و به‌منظور حفظ اصل اسلام از برخورد قهریه خودداری نمود اما همواره کوشید تا ضمن هشدارهای متعدد به سردمداران مخالف



غدیرخم که خلافت را در دست داشتند با آگاهی بخشی به گروه‌هایی از جامعه اسلامی که به آنها دسترسی داشت، در برابر این انحراف آشکار ایستادگی نماید. غدیر از نگاه امام موضوعی مربوط به حریم فردی یا گروهی نبود، بلکه موضوع استمرار هدایت الهی و لزوم حضور افراد شایسته و صالح در راس رهبری جامعه اسلامی بود. احیای عصیبت جاهلی پس از رحلت پیامبر ﷺ و غلبه ساختار اجتماعی قبیله‌ای بر ساختار اصیل اسلامی در کنار قدرت‌طلبی برخی از مخالفان غدیر این فرصت را از امت اسلامی غصب نمود. امام برای نفوذ در این حصار جاهلی بارها در جلسه‌های عمومی از حاضران در غدیر درخواست نمود آنچه را مشاهده کرده‌اند برای نسل بعد و نومسلمانان بازگو نمایند. خود نیز همواره غدیر را در جامعه معرفی نمود و ابعاد آن را برای مردم تبیین نمود.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۹، قم، مشرقین.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرام، ۱۴۰۷ ق، الکامل فی التاریخ، تحقیق ابوالفداء عبدالله بن القاضی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد، بی تا، الفتوح، بیروت، دار الندوه الجدیده.
- ابن بکار، زبیر، بی تا، الاخبار الموقفیات، تحقیق سامی مکی العانی، بغداد، مطبقة العانی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۱۲ ق، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۰۶ ق، لسان المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی.
- ابن حنبل، احمد، بی تا، مسند، بیروت، دار الفکر.
- ابن سعد، محمد، ۱۴۱۶ ق، الطبقات الکبری، تحقیق عبدالعزیز الطباطبائی، بیروت، موسسه آل‌البیت علیه السلام.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد، ۱۳۷۲ ق، المقصد الفرید، تحقیق محمد سعید العریان، بیروت، دار الفکر.



- ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۷ ق، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی مشیری، بیروت، دار الفکر.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، ۱۴۱۲ ق، *البدایه و النهایه*، تحقیق احمد ابوالملحم و علی نجیب عطوی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- امینی، عبدالحسین، ۱۳۸۷، *الغدیر*، ترجمه محمد تقی واحدی، تهران، بنیاد بعثت.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۲۴ ق، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.
- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۹۸ ق، *فرائد السمطین*، بیروت، موسسه المحمودی.
- حسکانی نیشابوری، عبیدالله بن عبدالله، بی تا، *شواهد التنزیل*، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، موسسه الاعلمی.
- حموی، یاقوت، ۱۴۰۸ ق، *معجم الادبا*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- خرماهی، بهاء‌الدین، و دیگران، ۱۳۶۶، *دایره‌المعارف تشیع*، تهران، بنیاد اسلامی طاهر.
- خوارزمی، موفق بن احمد، بی تا، *المناقب*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- دینوری، ابن قتیبه، ۱۳۶۳، *الامامه و السیاسه*، قم، الشریف الرضی.
- دینوری، ابوحنیفه، ۱۳۶۴، *الاخبار الطوال*، ترجمه احمد مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۷ ق، *تاریخ الاسلام و فیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، *المفردات فی غریب الفاظ القرآن*، بیروت، دار معرفه.
- سید بن طاووس، رضی الدین علی بن جعفر، بی تا، *کشف المحججه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- سیوطی، جلال الدین، بی تا، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق قاسم الشعاعی و محمد العثماني، بیروت، دار الرقم.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۴ ق، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، بیروت، موسسه الاعلمی.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، تهران، اسوه.
- طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلیمه الاسلامیه.

- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۹ ق، تاریخ الامم و الملوك، بیروت، موسسه الاعلمی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ ق، مصباح المتعجل، بیروت، موسسه فقه شیعه.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ ق، ینابیع الموده، قم، دار الاسوه.
- گنجی شافعی، محمد بن یوسف، ۱۴۰۴ ق، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق محمد هادی امینی، تهران، دار احیاء تراث اهل البیت علیهم السلام.
- مسعودی، علی بن حسین، بی تا، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالمجید، بیروت، دار المعرفه.
- مسکویه، ابوعلی، ۱۳۷۷، تجارب الامم و تعاقب الهمم، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.
- منقری، نصر بن مزاحم، ۱۴۱۰ ق، وقعہ صفین، تحقیق عبدالاسلام محمد هارون، بیروت، دار الجیل.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۴۱۸ ق، الغیبه، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، صدوق.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۴۱۴ ق، تاریخ الیعقوبی، قم، الشریف الرضی.

